تفسیر سوره

فلق

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَـٰنِ ٱلرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلْفَلَقِ ﴿۲﴾ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿۳﴾ وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٤﴾ وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّاثَاتِ فِى ٱلْعُقَدِ ﴿٥﴾ وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ

بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده دم. از شرّ آفریده‌هایش. و از شرّ تاریکی شب، آنگاه که همه جا را فراگیرد. و از شرّ افسون‌گرانی که در گره‌ها می‌دمند. و از شرّ هر حسود آنگاه که حسد ورزد.

نکته‌ها:

▣ کلمه «**فلق**» مثل «**فجر**» به معنای شکافتن است، شکافتن سیاهی شب یا سپیده صبح: ﴿**فالق الاصباح**﴾[۱]؛ شکافتن دانه درون خاک. ﴿**فالق الحبّ و النّوىٰ**﴾[۲]

▣ مراد از «**غاسق**» آغاز شب است که تاریکی را به همراه می‌آورد. چنانکه در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿**اقم الصلوة لدلوك الشمس الى غسق الليل**﴾[۳]

شاید مراد از «غاسق» هر موجود ظلمت آور باشد که تاریکی‌های معنوی را به همراه خود می‌آورد و گسترش می‌دهد.

▣ از آنجا که افراد شرور، برای حمله و هجوم و یا توطئه چینی از تاریکی شب استفاده می‌کنند، لذا به خدا پناه می‌بریم از شروری که در شب واقع می‌شود.

---

۱. انعام، ۹٦. ۲. انعام، ۹۵. ۳. اسراء، ۷۸.

▣ «نفّاثات» از «نَفث» به معنای دمیدن و «عُقَد» جمع «عَقْد» به معنای گره است.

▣ در هر چیزی احتمال بروز شرّ وجود دارد، حتی کمالاتی مثل علم و احسان، شجاعت و عبادت نیز آفاتی دارند. آفت علم، غرور؛ آفت احسان، منّت گذاردن؛ آفت عبادت، عُجب و آفت شجاعت، ظلم و تهوّر است.

▣ در آسیب پذیری سه اصل وجود دارد آمادگی هجوم از سوی دشمن فرصت‌های مناسب برای هجوم نظیر تاریکی‌ها وجود حفره‌ها و نقطه ضعف‌ها آری دشمن به دنبال تاریکی‌ها و حفره‌ها و نقاط ضعف است.

▣ تبلیغات سوء، جوسازی‌ها، سخن چینی‌ها، جاسوسی‌ها و شایعه‌پراکنی‌ها، نمونه هایی از ﴿**نفّاثات فی العقد**﴾ است، یعنی می‌دمند تا محکمات را سست کنند. چنانکه کسانی با وسوسه و شک میان همسران فتنه گری می‌کنند ﴿**ما یفرّقون بین المرء و زوجه**﴾[۱]

▣ با اینکه هرچه خدا آفریده، خیر است: ﴿**الّذی احسن کلّ شیء خلقه**﴾[۲] لکن هر چیزی اگر در مسیر صحیح خود قرار نگیرد، شرّ می‌شود. چنانکه آهن خیر است ولی اگر چاقو شد، امکانِ سوء استفاده از آن وجود دارد. ﴿**مِن شر ما خلق**﴾

▣ ﴿**شرّ ما خلق**﴾ یعنی شرّ از سوی مخلوقات است، نه از سوی خالق و نه ناشی از خلقت.

▣ پناه بردن به خدا از خطرات، تنها با گفتن «اَعوذ» حاصل نمی‌شود، بلکه علاوه بر گفتن، عمل نیز لازم است. چنانکه اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام وقتی مسکین و یتیم و اسیر، اطعام را کردند، گفتند: ﴿**انّا نخاف من ربّنا یوماً عبوساً قطریرا**﴾[۳] ما از روز قیامت می‌ترسیم که اطعام کردیم. قرآن می‌فرماید: ﴿**فوقاهم اللّه شرّ ذلك الیوم**﴾[٤] خداوند نیز آنان را از شرّ آن روز نجات داد. پس گفتن ﴿**انّا نخاف**﴾ به تنهایی کارساز نیست، بلکه باید همراه با عمل باشد.

▣ زشت صورتی نزد رسول خدا از زشتی چهره خود شکایت کرد که جبرئیل نازل شد و سلام خداوند را به آن مرد زشت رساند و گفت که خدا می‌فرماید: ﴿**اما ترضی ان احشرت علی جمال**

---

۱. بقره، ۱۰۲. ۲. سجده، ۷. ۳. انسان، ۱۰.
٤. انسان، ۱۱.

جبرییل﴾ آیا دوست داری که در قیامت تو به زیبایی جبرئیل باشی؟
مرد شادمان شد و تصمیم گرفت تمام عبادات و مستحبّات را انجام دهد.[۱]

▣ شرّ مطلق وجود ندارد و خداوند نیافریده است، بلکه چه بسیار اموری که از یک زاویه، شرّ دیده می‌شوند و زاویه‌ای دیگر خیر. چنانکه مولوی می‌گوید:

زهـر مـار، آن مـار را بـاشد حـیات — لیک آن، آدمـــی را شـد مـمات
پس بَـد مـطلق نـباشد در جـهان — بَد به نسبت باشد، این را هم بدان

▣ بعضی از سختی‌ها و فشارها، شرّ نیست، بلکه رمز تکامل است. مولوی می‌گوید:

گـندمی را زیـر خـاک انـداختند — پس ز خاکش خـوشه‌ها بـرساختند
بـــار دیگـــر کـوفتندش ز آسـیا — قیمتش افزون و نان شد جان فـزا
بـاز نـان را زیـر دنـدان کـوفتند — گشت عقل و جان و فهم سودمند
باز آن جان، چون که مـحو عشـق گشت — یُـــعجب الزّراع آمـــد بـعد کشت

▣ قرآن سفارش می‌کند که با همسرانتان خوب رفتار کنید و اگر نسبت به آنان کراهت دارید، چه بسا در کنار آن الطافی نهفته بـاشد. ﴿**و عاشروهنّ بالمعروف فان کرهتموهنّ فـعسی ان تکرهوا شیئاً و یجعل اللّه فیه خیراً کـثیراً**﴾[۲] چـنانکه گـاهی زن زیـبا نـیست، ولی مـادر فرزندانی بزرگ و برجسته می‌شود.

▣ بسیار از تلخی‌ها، استعدادهای ما را شکوفا می‌کند، حالت صبر و مقاومت را در ما رشـد می‌دهد و دل انسان را خاضع و خاشع می‌سازد. ﴿**لعلّهم یتضرّعون**﴾[۳]

▣ شب برای مردان خدا، زمان بندگی و عبادت است: ﴿**یتلون آیات اللّه آناء اللیل**﴾[٤] ولی برای نامردمان، زمان توطئه و تهدید و هجوم است. ﴿**من شرّ غاسق**﴾

▣ سخن و یا حرکتی که روابط و دوستی‌های محکم را متزلزل کند، نفّاثات است و باید از آن به خدا پناه برد.

---

۱. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۱٤۰.
۲. نساء، ۱۹.
۳. اعراف، ۹٤.
٤. آل عمران، ۱۱۳.

▣ پناه بردن انسان به خدا، مستلزم پناه دادن خداوند است وگرنه فرمان پناه بردن لغو بود.
▣ در میان تمام شرور نام سه شرّ در این سوره آمده است:
ـ شرور پنهان و در تاریکی‌ها. ﴿من شرّ غاسق اذا وقب﴾
ـ شرور زبان‌های ناپاک. ﴿من شرّ النفّاثات فی العقد﴾
ـ شرور حسادت‌ها و رقابت‌های منفی. ﴿و من شرّ حاسد اذا حسد﴾
▣ برخی زنان به خاطر زیبایی و لطافت در گفتار، می‌توانند مردان را در تصمیمات خود سست کنند و مصداق نفّاثات باشند.
▣ یکی از مصادیق نفّاثات، سحر و جادو است و لذا آموزش و عمل آن حرام است.
▣ با اینکه ﴿شر ما خلق﴾ شامل تمام شرور می‌شود، ولی نام سه شرّ را به خاطر اهمیّتی که دارد، جداگانه آورده است. ﴿غاسق اذا وقب ـ النفّاثات فی العقد ـ حاسد اذا حسد﴾
▣ پناه بردن در هر حال لازم است، خواه آنجا که خطر باشد: ﴿شرّ ما خلق﴾ خواه دریافت کمال باشد: ﴿فاذا قرأت القرآن فاستعذ باللّه من الشیطان الرجیم﴾[1] هرگاه قرآن تلاوت می‌کنی از شرّ شیطان به خداوند پناه ببر.
▣ در سوره فلق، در برابر سه شرّ بیرونی، به یک صفتِ الهی پناه می‌بریم. (از شرّ غاسق و نفّاثات و حاسد، به صفتِ ﴿ربّ الفلق﴾ پناه بردیم.) اما در سوره ناس به عکس است. در برابر یک خطر درونی، به سه صفت الهی پناهنده می‌شویم. (از شرّ وسوسه قلب، به صفاتِ ﴿ربّ النّاس﴾، ﴿ملك النّاس﴾ و ﴿اله النّاس﴾ پناه می‌بریم.)

بحثی درباره حسادت

تلاش برای بدست آوردن کمالات غبطه و ارزش است، ولی تلاش برای نابود کردن کمالات دیگران حسادت است. حسادت نشانه کم ظرفیّتی و تنگ نظری است. اولین قتلی که در زمین واقع شد به خاطر حسادت میان فرزندان آدم بود و اولین گناهی که در آسمان واقع شد، حسادت ابلیس به آدم بود. در حدیث می‌خوانیم: حسادت ایمان را می‌خورد آن

---

۱. نحل، ۹۸.

گونه که آتش هیزم را.[١]

آنچه بر سر اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام آمد که آنان را کنار زدند، ناشی از حسادت بود و قرآن در آیه ۵۴ سوره نساء می‌فرماید: چرا به خاطر الطاف و تفضّل خداوند، بر افراد لایق حسادت می‌ورزند، مگر نمی‌دانند ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت و ملک عظیم دادیم.

حسادت در میان تمام شرور، برجسته‌ترین شرّ است. زیرا حسود نقشه‌ها می‌کشد و حیله‌ها می‌کند و مرتکب انواع شرور می‌شود تا به هدف برسد.

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «**الحسد داء عیاء لایزال الا بهلك الحاسد او بموت المحسود**»[٢]

حسادت مرض خطرناکی است که جز با مرگ محسود یا هلاکت حسود از بین نمی‌رود.

حسود در واقع به خدا اعتراض دارد و در برابر اراده و حکمت او جهت می‌گیرد که چرا به او عطا کرده و به من نداده است.

حسود هرگز خیرخواهی و نصیحت نمی‌کند و به خاطر خوی حسادت، از خیر خودش بـه دیگران جلوگیری می‌کند.

▣ قرآن، ریشه بسیاری از گناهان را ﴿**بغیاً**﴾ به معنای حسادت دانسته است و امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «**انّ الکفر اصله الحسد**»[٣] ریشه کفر حسادت است. چنانکه در برابر پـیامبران می‌گفتند: ﴿**أبشر یهدوننا**﴾[٤] آیا انسانی مثل ما پیامبر شود و ما را هدایت کند؟

حسود، اهل تواضع و تشکر نیست و هرگز به کمالات دیگران گـواهـی نـمی‌دهد و قـهراً مرتکب گناه کتمان حق می‌شود.

حسود معمولاً منافق است. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «**الحاسد یظهر وُدّه فی اقواله و یخفی بُغضه فی افعاله**»[٥] در ظاهر اظهار علاقه می‌کند ولی در باطن کینه و بغض دارد.

منشأ حسادت چیست؟

گاهی تبعیض نابجا میان افراد، حسادت آنان را بر می‌انگیزد.

---

١. کافی، ج ٢، ص ٣٠٦. ٢. نهج‌البلاغه، حکمت ٤٩٣.
٣. کافی، ج ٨، ص ٧. ٤. تغابن، ٦. ٥. غررالحکم.

گاهی مردم توجیه نیستند و شرایط را یکسان می‌پندارند و همینکه یک برتری و امتیازی دیدند حسادت می‌ورزند. در حالی که اگر حکمت و دلیل تفاوت‌ها را بدانند آرام می‌شوند.

حسادت در خاندان نبوت نیز پیدا می‌شود، همان گونه که در خانه حضرت یعقوب، حسادت فرزندان، آنان را به چاه افکندن برادر وادار کرد.

دامنه حسادت تنها نسبت به نعمت‌های مادی نیست، بلکه گاهی نسبت بـه ایـمان افـراد حسادت می‌شود و می‌خواهند آنان را به کفر برگردانند. ﴿**یردّونکم من بعد ایـمانکم کـفّاراً حسداً**﴾[۱]

روشن است که حسادت، آرزوی نابودی نعمت دیگران است، وگـرنه درخـواست نـعمت از خداوند، حسادت نیست. چنانکه سلیمان از خداوند حکومتی بی نظیر خواست: ﴿**مـلکاً لا ینبغی لاحد**﴾[۲] و حضرت علی علیه‌السلام در دعای کمیل از خداوند می‌خواهد که نصیب او بیشتر باشد و قرب او به خداوند نیز بیشتر باشد. «**واجعلنی من احسن عبیدك نصیبا عندك و اقربهم منزلة منك...**»

▣ برای درمان حسادت باید اینگونه فکر کرد:

دنیا، کوتاه و کوچک است و غصه برای آن ارزشی ندارد.

ما نیز نعمت‌هایی داریم که دیگران ندارند.

نعمت‌ها بر اساس حکمت تقسیم شده است، گرچه ما حکمت آن را ندانیم.

آنکه نعمتش بیشتر است، مسئولیّتش بیشتر است.

بدانیم که حسادت ما بی‌نتیجه است و خداوند به خاطر اینکه بنده‌ی چشم دیدن نـعمتی را ندارد، لطف خود را قطع نمی‌کند و فقط خودمان را رنج می‌دهیم.

پیـام‌ها:

۱ـ پناه بردن به خدا را باید به زبان جاری کرد. ﴿**قل اعوذ**﴾

۲ـ به خاطر زیادی خطرات و اهمیّت آن انبیا نیز باید به خدا پناه برند. ﴿**قل اعوذ**﴾

---

۱. بقره، ۱۰۹. ۲. ص ، ۳۵.

۳ـ اصلاح خود و جامعه، بدون استمداد و پناهندگی به خداوند امکان ندارد. ﴿**قل اعوذ بربّ الفلق**﴾

٤ـ چون شرور بر قلب و فکر انسان قفل می‌زنند، باید به قدرتی پناه برد که شکافنده و شکننده قفل‌ها و موانع باشد. ﴿**بربّ الفلق**﴾

۵ ـ در دعا با دید وسیع برخورد کنید. ﴿**شرّ ما خلق**﴾ (همه مخلوقات را در برمی‌گیرد.)

٦ـ در میان همه شرور، شر حسادت، تفرقه افکنی، عهد شکنی و توطئه‌های پنهان اهمیّت بیشتری دارد. ﴿**من شرّ غاسق... شرّ النفاثات... شرّ حاسد**﴾

۷ـ دشمن آنقدر می‌دمد تا تبلیغاتش مؤثّر واقع شود. (﴿**نفّاثات**﴾ جمع «**نفّاثة**»، صیغه مبالغه است.)

۸ ـ با وسوسه‌ها عقاید سست می‌شود و حرف اثر می‌کند. ﴿**من شرّ النفاثات فی العقد**﴾

۹ـ حسادت، داروئی جز پناه بردن به خدا ندارد. ﴿**قل اعوذ... اذا حسد**﴾

۱۰ـ زمینه‌ها زمانی خطرناک است که به فعلیّت در آیند. ﴿**حاسد اذا حسد**﴾

۱۱ـ حسادت، کم و بیش در افراد هست؛ اقدام عملی بر اساس آن گناه است. ﴿**اذا حسد**﴾

«**والحمدللّه ربّ العالمین**»